

**Legal Review of Recovery and Waste Complications from Service
Institutions under the Supervision of the Ministry of
Health and Medical Education**

Mahmoud Abbasi¹, Mahdi Nikjou²

Abstract

One of the important financial resources of municipalities for carrying out affairs is complications. The two types of complications that this institution receives are very common with natural or legal persons are the waste complications and the complications of modernization. Since it is one of the sources of income earned by the municipality, such an institution receives tolls from various institutions of the community by sending payment fees. One of the institutions that are subject to tolls and are addressed by the municipalities for receiving it, the service collections are under the supervision of the Ministry of Health and Medical Education. Obviously, non-payment of the fees will give rise to alerts and judicial follow-ups, which obviously means that these institutions will seek to provide the necessary funds to pay for such costs. Obviously, the acquisition of these effects has led the researchers to disregard this point. Of course, all laws that deal with the collection of complications from these collections have been subject to legal analysis and legal origins for taking tolls from healthcare facilities. The coverage of the Ministry of Health, Health and Medical Education is a legal evaluation. The existence of various rules on this issue has made it impossible to determine the mere liability of a statutory obligation to pay or non-payment of these institutions, which, of course, in this study all these materials are mutually exclusive and it is concluded that all the following entities The college of medical science universities are exempted from paying any fees.

1. Associate Professor and Head of Ethics and Medical Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

2. Master of Jurisprudence and the Basics of Islamic law, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. (Corresponding author)

Email: m.nikjoo62@gmail.com

Keywords

Waste Complications, Complications of Renovation, Service Institutions, Medical Universities

Please cite this article as: Abbasi M, Nikjou M. Legal Review of Recovery and Waste Complications from Service Institutions under the Supervision of the Ministry of Health and Medical Education. Iran J Med Law 2020; 14(53): 151-171.

بررسی حقوقی اخذ عوارض نوسازی و پسماند از نهادهای خدماتی تحت

نظارت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

محمود عباسی^۱

مهدی نیکجو^۲

چکیده

یکی از منابع مهم مالی شهرداری‌ها برای انجام امورات محوله، عوارض است. دو نوع از عوارضی که این نهاد به صورت بسیار مرسوم از افراد حقیقی و یا حقوقی دریافت می‌دارد، عوارض پسماند و عوارض نوسازی می‌باشد. یکی از نهادهایی که مشمول پرداخت عوارض بوده و از سوی شهرداری‌های کشور در مورد دریافت آن مورد خطاب قرار می‌گیرد، مجموعه‌های خدماتی تحت نظارت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است. مسلماً عدم پرداخت عوارض باعث ایجاد اختراها و پیگیری‌های قضایی خواهد بود که البته بدیهی‌دانستن این موضوع باعث شده تا این نهادها در پی تأمین اعتبارات لازم به جهت پرداخت این‌گونه عوارض باشند. در این پژوهش منشأ قانونی اخذ عوارض از نهادهای درمانی تحت پوشش وزارت، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مورد ارزیابی حقوقی واقع شده است. با توجه به مواد قانونی مختلف، بحث در این‌باره با توجه به مواضع اصول فقهی مورد تتبع واقع شده است و با روش تحقیقی کتابخانه‌ای، همه این مواد در کنار یکدیگر قرار گرفته و پس از ارائه تعاریف اصلی، تعارض آن‌ها تحلیل اصولی گردیده است. در نهایت از مطالب نتیجه‌گیری به عمل آمده که تمام نهادهای زیرمجموعه دانشگاه‌های علوم پزشکی دولتی از پرداخت هرگونه عوارض معاف می‌باشند.

واژگان کلیدی

عوارض پسماند، عوارض نوسازی، نهادهای خدماتی، دانشگاه‌های علوم پزشکی

۱. دانشیار، رییس مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲. کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: m.nikjoo62@gmail.com

مقدمه

دولت‌ها برای برون‌رفت از مشکلات مالی خود تدابیر زیادی در حوزه مالی داشته و مسلماً برای پیشبرد اهداف خود به پشتوانه مالی نیاز دارند و لاجرم برای اداره نظام منابع مالی مختلفی پیش‌بینی شده است که از آن جمله می‌توان به عوارض شهرداری اشاره کرد. عوارض، یکی از منابع مالی جدی برای انجام امورات شهرداری تلقی می‌گردد. دو مورد از بارزترین عوارضی که شهرداری‌ها از افراد و سازمان‌ها دریافت می‌دارند، عوارض نوسازی و پسماند می‌باشد. به هر جهت، آنچه تاکنون مسلم تلقی شده، این‌که شهرداری‌ها در اخذ این‌گونه عوارض اختیارات زیادی داشته و هر شخص و سازمانی تحت هر عنوانی مشمول پرداخت عوارض بوده و عدم پرداخت آن تخلف برشمرده شده و مستوجب جریمه خواهد بود. شهرداری‌ها نیز در راستای دریافت این عوارض با ارسال فیش و یا اخطاریه، سازمان‌های مختلف را از پرداخت عوارض آگاه کرده و تخلف از عدم پرداخت را به افراد مختلف گوشزد می‌کنند. بر این اساس آنچه در این تحقیق در کانون توجه نگارندگان قرار گرفته، بداهتی است که در پرداخت عوارض از نهادهای مختلف وجود داشته و شهرداری برای آن‌ها فیش‌های پرداخت عوارض ارسال می‌کند. گفتنی است سازمان‌هایی که در این پژوهش در کانون توجه قرار گرفته‌اند، مجموعه‌هایی است که به عنوان نهادهای خدماتی (درمانی، پزشکی، بهداشتی و...) زیر نظر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مشغول ارائه خدمات به عموم مردم می‌باشند. آن‌گونه که می‌دانیم وظایف ذاتی و سازمانی این وزارتخانه به دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور واگذار شده، لذا این دانشگاه‌ها غیر از وظیفه آموزش پزشکی به متعلمین، امر خطیر بهداشت و درمان عموم شهروندان نیز بر عهده دارند. در این راستا دانشگاه‌های علوم پزشکی مجموعه‌های مختلفی اعم از بیمارستان، شبکه‌های بهداشت و درمان، درمانگاه‌ها و... را زیر نظر داشته و این نهادها زیر نظر مدیریتی دانشگاه علوم پزشکی در حال خدمت بهداشتی و درمانی به مردم می‌باشند، علی‌هذا شهرداری تحت قاعده کلی هر از مدتی با نامه‌نگاری‌های مختلف، مجموعه‌های زیر نظر دانشگاه علوم پزشکی را مورد خطاب قرار داده و با ارسال فیش‌های مختلف نوسازی و پسماند از ایشان مطالبه وجوهات مختلفی می‌کند. مسلماً با مضیقه‌های مالی و هزینه‌های بیش از حد درمان و بهداشتی، دریافت این عوارض از سوی شهرداری‌ها حتماً بایستی مبتنی بر قوانین قطعی باشد تا از این جهت مجموعه‌های درمانی تحت فشار نباشند. با توجه به این نکته موضوع

این مقاله و نتایجی که از آن حاصل می‌شود، بسیار کاربردی بوده و در منابع مالی مجموعه‌های علوم پزشکی بسیار تأثیرگذار خواهد بود.

در مورد سابقه پژوهش بایستی بیان داشت که با تتبعی که در این باره صورت گرفت، مسأله عوارض آن‌گونه که در این تحقیق از نظر گذشته است، فاقد سابقه می‌باشد. به عبارت دیگر موضوع عوارض با نگاهی که در این پژوهش بر آن شده است مورد نظر محققین نبوده و گویی که اخذ عوارض از سوی شهرداری بسیار مسلم انگاشته شده است، لذا از نگاه دقیق پژوهشگران مغفول مانده است.

روش تحقیقی که در این پژوهش به کار رفته، «کتابخانه‌ای» است و شیوه تحلیل اطلاعات به شیوه توصیفی و تحلیلی بوده و بر این اساس تمامی مواد قانونی که این دو عوارض را در قانون توجه قرار داده مورد تحلیل‌های حقوقی، فقهی و اصولی قرار گرفته است. ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که با توجه به غرض تحقیق، در متن مقاله قوانین متعددی از نظر گذشته و مواد قانونی زیادی مورد تدقیق قرار گرفته است. به بیان دیگر از آنجایی که بناست مسأله اخذ عوارض و قوانین مرتبط با آن مورد نظر قرار گرفته شود، علی‌القاعده می‌بایست تمامی قوانینی که با موضوع مرتبط است از نظر گذرانده شود، به این جهت در منابع تحقیق نسبت به کتب، عناوین قوانین مختلف و متعددی دیده شود.

تعاریف

۱- نهادهای خدماتی

یکی از کلیدی‌ترین واژه‌هایی که در این پژوهش بسیار مورد استفاده قرار گرفته و بخش قابل توجهی از این تتبع بر محور آن در گردش است، عبارت «نهادهای خدماتی» است. آنچه در این بین حائز اهمیت است این‌که نهادهای خدماتی مد نظر در این پژوهش مجموعه‌هایی است که تحت نظارت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است. با توجه به این نکته بایستی بیان داشت که در میان قوانین تعریف مشخصی از نهادهای خدماتی ارائه نشده است، ولی در قانون مدیریت خدمات کشوری در ماده ۹ امور خدماتی مورد تعریف واقع شده که با وحدت ملاک از این ماده می‌توان نهادهای خدماتی را نهادهایی قلمداد کرد که به امور خدماتی این ماده مشغول هستند. متن ماده از این قرار است: «امور اجتماعی، فرهنگی و خدماتی: آن دسته از وظایفی است که منافع اجتماعی حاصل از آن‌ها نسبت به منافع فردی برتری دارد و

موجب بهبود وضعیت زندگی افراد می‌گردد، از قبیل آموزش و پرورش عمومی و فنی و حرفه‌ای، علوم و تحقیقات، درمان، توانبخشی، تربیت بدنی و ورزش، اطلاعات و ارتباطات عمومی و امور فرهنگی، هنری و تبلیغات اسلامی» (۱).

همان‌گونه که از متن این ماده مشخص است در یک نهاد خدماتی منافع جمعی بر منافع فردی اولویت داشته و ارائه خدمات در این‌گونه نهادها باعث بهبود وضعیت زندگی عموم افراد می‌شود. بر این اساس، چنانکه در متن ماده نیز وارد شده است، بهبود وضع زندگی افراد مصادیق فراوانی را شامل می‌شود که بسیاری از موارد آن در متن ماده، مورد نظر قانونگذار قرار گرفته است.

در قانون تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مصوب ۱۳۶۴/۷/۹ مجلس شورای اسلامی، ارائه بهتر خدمات بهداشتی و درمانی را از انگیزه تأسیس وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی برشمرده است. بر این اساس به صراحت روشن است که ارائه خدمت در زمینه بهداشتی و درمانی از سوی نهادهای دولتی، به طور قطع در عنوان عام «نهادهای خدماتی» قرار خواهد گرفت (۲).

در ماده ۲۵ قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۶/۱/۱۶ نیز دستگاه‌های عهده‌دار وظایف خدماتی را مجاز دانسته تا نسبت به خرید خدمات از بخش خصوصی و تعاونی اقدام نمایند. در این ماده نیز به صراحت مصادیق نهادهای خدماتی را برشمرده و به واحدهای بهداشتی و درمانی اشاره کرده است (۳). بر این اساس می‌توان چنین خلاصه کرد که یک نهاد خدماتی مجموعه‌ای است که به دنبال منافع عمومی بوده و این منافع بر منافع شخصی افراد اولویت بسیار زیادی دارد. بر این اساس می‌توان با در کنار هم قراردادن مجموعه قوانین و تعاریف از نهادهای خدماتی به طور حتم مجموعه‌های درمانی دولتی و نهادهایی شبیه به آن، در زمره نهادهای خدماتی برشمرده شود.

۲- عوارض

این کلمه به صیغه جمع به معنی نوعی باج است که فرق عمده آن با مالیات در این است که به عنوان جبران هزینه‌هایی که یک مؤسسه عمومی می‌کند (در مقابل انجام کار یا خدمت) دریافت می‌شود و ممکن است مستقیم یا غیر مستقیم از مصوبات مجلس باشد (۴). با توجه به مرجع تصویب، عوارض به دو دسته کلی تقسیم می‌شود: ۱- عوارض ملی؛ ۲- عوارض محلی.

عوارض ملی عوارضی است که نهاد صلاحیت دار ملی یا کشوری (مجلس شورای اسلامی) آن را وضع می‌کند، مانند عوارض نوسازی در قانون نوسازی و عمران شهری یا عوارض‌های مندرج در قانون ارزش افزوده و عوارض محلی عوارضی است که توسط مرجع صلاحیت دار محلی (شورای شهر و شورای بخش) تصویب می‌شود.

۱-۲- عوارض نوسازی: قانون نوسازی و عمران شهری با هدف برطرف کردن نیازمندی‌های شهری در سال ۱۳۴۷ به تصویب رسیده است. این قانون، اصلاح و توسعه معابر و ایجاد پارک‌ها، پارکینگ‌ها، توقفگاه‌ها، میدان‌ها و حفظ و نگهداری آن‌ها را در قانون توجه خود قرار داده است. مطابق این قانون، این وظیفه بر عهده شهرداری‌ها قرار داده شده و این نهاد برای اجرای این قانون موظف به تهیه برنامه‌های اجرایی و نقشه‌های جامع است (۵). به صورت طبیعی اجرای برنامه‌های مورد اشاره نیازمند هزینه‌هایی است که بایستی برای آن تدبیری دیده شود. مطابق ماده ۲ این قانون، تأمین اعتبار مالی برای این موضوع از طریق دریافت عوارض بر کلیه اراضی، ساختمان‌ها و مستحدثات واقع در محدوده قانونی شهرها پیش‌بینی شده است. بر این اساس، شهرداری‌ها موظفند عوارض تعیین‌شده در قانون مذکور را دریافت و به مصرف خاص خود برسانند (۶). به هر جهت آنچه مسلم است این‌که شهرداری‌ها اعتبارات مالی خود را از ردیف‌های مالی که قانون تعیین کرده است، تأمین می‌کند و بی‌تردید یکی از مجاری ایجاد درآمد برای شهرداری‌ها وصول عوارض نوسازی از اراضی، ساختمان‌ها و مستحدثات واقع در محدوده قانونی شهرهاست.

۲-۲- عوارض پسماند: آن‌گونه که می‌دانیم در جوامع کنونی، زواید متنوعی از مجموعه زندگانی بشری حاصل می‌شود که می‌توان در دو عنوان کلی «پسماند» و «پساب» تقسیم‌بندی کرد. مطابق این تقسیم، پسماند یا زباله، به هر نوع مواد جامد، گاز و مایع اطلاق می‌شود که با توجه نوع فعالیت انسان حاصل و با توجه به شخص تولیدکننده زاید شمرده می‌شود. فاضلاب‌های تولیدی نیز در دسته پساب قرار می‌گیرند؛ پسماندها را می‌توان برحسب منابع تولیدکننده آن به انواع مختلفی طبقه‌بندی کرد؛ پسماندهای عادی، پسماندهای پزشکی (بیمارستانی)، پسماندهای کشاورزی، پسماندهای صنعتی و پسماندهای ویژه از انواع پسماندهایی است که در این دسته‌بندی قرار گرفته شده و در ماده ۲ «قانون مدیریت پسماند» به آن اشاره شده است (۷). به هر حال آنچه مسلم است این‌که جمع‌آوری پسماندهای سطح

شهر با هزینه‌هایی همراه است که شهرداری‌ها می‌توانند آن را در قالب عوارض پسماند از مردم و نهادهای مختلف دریافت دارند (۸).

دریافت عوارض از نهادهای درمانی

۱- دریافت عوارض پسماند

پیش از این که به مورد عوارض پسماند بپردازیم، ذکر این مطلب حائز اهمیت است که در سال ۱۳۸۱ قانونی به تصویب رسید که موسوم به قانون «تجمیع عوارض» می‌باشد. مطابق ماده ۵۲ «قانون مالیات بر ارزش افزوده» از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، قانون موسوم به تجمیع عوارض ملغی شده، لذا قوانین دیگر لازم‌الاجرا و معتبر است. با این مقدمه کوتاه باید گفت که در قانون مدیریت پسماند مصوب ۱۳۸۳/۲/۲۰ مجلس شورای اسلامی در مورد پرداخت‌کنندگان و افراد حقوقی معاف از پرداخت عوارض صحبتی به میان نیامده است، بلکه در آنجا صرفاً در مورد نوع پسماندها و نحوه تفکیک و کیفیت بازیابی آن سخن گفته شده است. بحث در مورد معافیت از پرداخت عوارض پسماند ابتدا در «دستورالعمل نحوه تعیین بهای خدمات مدیریت پسماند عادی شهری - ابلاغی به شماره ۳/۹۵۲۲۵/۳ به تاریخ ۱۳۸۵/۷/۱۷» وزیر کشور بیان شده و در تبصره ۲ و ۳ از بند ۲ قسمت «ب» ماده ۶ چنین بیان شده است: «مساجد، حسینیه‌ها و تکایا از پرداخت بهای خدمات مدیریت پسماند معاف می‌باشند. بدیهی است چنانچه در این اماکن واحدهای غیر مرتبط مانند واحدهای تجاری و... مستقر باشند، متناسب با تعداد واحد و نوع کسب، مشمول پرداخت بهای خدمات مدیریت پسماند خواهند بود.» همچنین در آنجا به این مطلب نیز اشاره شده است که «مدارس ابتدایی، راهنمایی و متوسطه دولتی از پرداخت بهای خدمات مدیریت پسماند معاف می‌باشند» (۹).

این موارد در تبصره یکم ماده واحده «چگونگی محاسبه و اخذ بهای خدمات مدیریت پسماند» ۱۳۸۸/۲/۲۲ شورای اسلامی شهر تهران نیز آمده و بیان شده است: «مساجد، حسینیه‌ها، تکایا، اماکن مذهبی، اقلیت‌های دینی (زرتشتی، کلیمی، مسیحی) و مدارس (ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و پیش‌دانشگاهی) دولتی مشمول پرداخت بهای خدمات مدیریت پسماند نمی‌باشند، چنانچه در این اماکن واحدهای غیر مرتبط مانند واحدهای تجاری مستقر

باشند، متناسب با تعداد واحد و نوع کسب مشمول پرداخت بهای خدمات مدیریت پسماند خواهند بود» (۱۰).

مطلب دیگری که در این باره می‌توان از آن سخن به میان آورد «آیین‌نامه اجرایی قانون مدیریت پسماندها» مصوب ۱۳۸۴/۵/۱ هیأت وزیران است. در این آیین‌نامه نیز سخنی از معافیت افراد حقیقی و حقوقی به میان نیامده است و صرفاً در تبصره ۱ و ۲ بند ۹ ماده ۱۲ چنین آمده است: «واحدهای تولیدی که از مواد اولیه بازیافتی استفاده می‌کنند، به ازای استفاده از این‌گونه مواد از پرداخت مبلغ تعیین‌شده معاف خواهند بود.» در تبصره ۲ این آیین‌نامه نیز آمده است: «واحدهای تولیدی که محصولات خود را صادر می‌کنند و یا واردکنندگانی که کالای خود را مرجوع می‌کنند، به ازای میزان کالای صادر شده و یا مرجوعی، از پرداخت مبلغ تعیین‌شده معاف خواهند بود» (۱۱) که البته بایستی بیان داشت معافیتی که در این دو تبصره از آن بحث شده، ارتباطی به این پژوهش نداشته و تخصیصاً از موضوع این مقاله خارج است.

با تتبع در مواد قانونی موجود در کشور، ماده ۵۲ «قانون مالیات بر ارزش افزوده» مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۷ مجلس شورای اسلامی می‌تواند به مثابه ماده‌ای تلقی شود که به اطلاق آن می‌توان نهادهای خدماتی موضوع این پژوهش را از پرداخت عوارض پسماند معاف دانست. در این ماده آمده است: «از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا، ارائه‌دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی مصوب ۱۳۸۱ و اصلاحیه بعدی آن و سایر قوانین و مقررات خاص و عام مغایر مربوط به دریافت هرگونه مالیات غیر مستقیم و عوارض بر واردات و تولید کالاها و ارائه خدمات لغو گردیده و برقراری و دریافت هرگونه مالیات غیر مستقیم و عوارض دیگر از تولیدکنندگان و واردکنندگان کالاها و ارائه‌دهندگان خدمات ممنوع می‌باشد. حکم این ماده شامل قوانین و مقررات مغایری که شمول قوانین و مقررات عمومی بر آنها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام است، نیز می‌باشد» (۱۲).

همان‌گونه که در این ماده به صراحت ذکر شده است، دریافت هرگونه عوارض از ارائه‌دهندگان خدمات ممنوع می‌باشد. بر این اساس و به اطلاق این ماده عوارض پسماند در انواع این عوارض

قرار گرفته، لذا اخذ این عوارض از نهادهای خدماتی موضوع این پژوهش به خصوص بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها، خانه‌های بهداشت و امثال آن ممنوع می‌باشد.

چنانکه در تبصره ۲ و ۳ از بند ۲ قسمت «ب» ماده ۶ «دستورالعمل نحوه تعیین بهای خدمات مدیریت پسماند ۱۳۸۵» ملاحظه شد برخی از نهادهایی که در آنجا مورد اشاره قرار گرفته بود (مساجد، حسینیه‌ها و تکایا مدارس ابتدایی، راهنمایی و متوسطه) از پرداخت عوارض پسماند معاف شده بودند. در اینجا ذکر نکته‌ای حائز اهمیت است که قانون مالیات بر ارزش افزوده، مصوب سال ۱۳۸۷ بوده و دستورالعمل مذکور در سال ۱۳۸۵ صادر گردیده است. از آنجایی که در آن دستورالعمل چند نهاد ذکر شده و از پرداخت عوارض معاف برشمرده شده و در سال ۱۳۸۷ به جمع این نهادها، نهادهای خدماتی نیز افزوده شده‌اند، گویی «قانون مالیات بر ارزش افزوده» به نوعی مکمل آن دستورالعمل بوده و به تعداد نهادهایی که در آن دستورالعمل برشمرده شده، نهادهای خدماتی نیز افزوده شده است. به بیان دیگر ماده ۵۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده استثنائات بند «ب» ماده ۶ را توسعه داده و نهادهای خدماتی را داخل در این استثنا کرده است تا از پرداخت عوارض معاف شوند.

موضوع دیگری که در این رابطه بایستی مد نظر قرار گرفته شود، این است که در تبصره ۳ ماده ۵۰ قانون «مالیات بر ارزش افزوده» آمده است: «قوانین و مقررات مربوط به اعطای تخفیف یا معافیت از پرداخت عوارض یا وجوه به شهرداری‌ها و دهیاری‌ها ملغی می‌گردد» (۱۳). در این تبصره بر لغو و یا معافیت عوارض شهرداری اشاره شده، لذا به نوعی می‌توان گفت هر آنچه از معافیت عوارض نامبرده شده، ملغی می‌باشد. با تحلیلی که می‌توان بر این ماده داشت، ذکر چند نکته حائز اهمیت است: اولاً به تصریح ماده ۵۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷ دریافت عوارض از ارائه‌دهندگان خدمات ممنوع بوده و در تبصره ۳ ماده ۵۰ این معافیت برداشته شده است، لذا این دو ماده (لغو معافیت در تبصره ۳ ماده ۵۰ و معافیت از پرداخت عوارض در ماده ۵۲) در مقابل هم قرار گرفته و به نوعی معارض یکدیگر به شمار می‌روند؛ ثانیاً ماده ۵۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده بسیار قابل توجه بوده و چنانچه دلالت این ماده به اثبات برسد، در پرداخت اکثر عوارض ورود کرده و نهادهای خدماتی از پرداخت بسیاری از عوارض معاف خواهند بود. به همین جهت در ادامه مباحث این قسمت، مسأله کاملاً مورد مذاقه قرار گرفته شده و همه مباحث آن از نظر گذشته است.

۱-۱- بررسی مسأله تعارض دو ماده: سؤالی که در ابتدای مباحث به ذهن می‌رسد این است که آیا این تعارض بین این ماده از نوع تعارض مستقر است که بتوان از قواعد اصولی باب تعارض استفاده کرد؟ و یا این که تعارض بدوی است و با اندک تأملی موضوع از حالت تعارض خارج می‌شود؟

همان‌گونه که در مبحث تعارض ادله در علم اصول بحث شده است، تعارض در لغت به معنای در برابر دیگری پیش‌آمدن (۱۴) و در اصطلاح به معنای تنافی داشتن مقتضای دو یا چند دلیل با یکدیگر است، به طوری که با هم متضاد یا متناقض باشند. بنا به موازین اصولی چنانچه یکی از دو دلیل متعارض از جهت و یا جهاتی بر یکدیگر ترجیح داشته باشند، باید آن دلیل را بر دیگری ترجیح داد (۱۵). به همین جهت بایستی در متن این ماده تعمق بیشتری داشت و چنانچه وجه رجحانی در آن یافت شود، بر دیگری ترجیح داده می‌شود. بر این اساس باید گفت که به نظر می‌رسد عموم ماده ۵۲ (مبنی بر ممنوعیت اخذ عوارض از نهادهای خدماتی) صراحت بیشتری نسبت به تبصره ۳ ماده ۵۰ داشته باشد و این تبصره در ما نحن فیه صریح به مقصود نیست، چه در این تبصره به گونه‌ای اشاره شده است که اگر در گذشته قانونی درباره تخفیف و یا معافیت صادر شده است، ملغی و بلااثر بوده و از این به بعد می‌بایست بر اساس این قانون عمل کرد. افزون بر این مطلب، بعید به نظر می‌رسد که دو ماده در یک قانون (قانون مالیات بر ارزش افزوده) در تعاقب یکدیگر و نقیض هم به تصویب برسد، چراکه در تبصره ۳ ماده ۵۰ به صورت عام معافیت از هرگونه مالیات را ملغی دانسته و در ماده ۵۲ برخی از افراد حقوقی را از عنوان عام آن خارج کرده است. به عبارت دیگر از باب قاعده (الجمع مهمما امکن اولی من الطرح) این دو ماده از باب قاعده عام و خاص با یکدیگر جمع شده و به بیان اصولی تعارض در اینجا مستقر نبوده و به نوعی ماده ۵۲، تبصره ۳ ماده ۵۰ را تخصیص زده است.

موضوع قابل توجه دیگر این که در یکی از آرای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۵۶۶ مورخ ۱۳۹۶/۶/۱۴ در مورد عوارض دفتر وکالت یکی از وکلای دادگستری، هیأت عمومی دیوان، وکالت را در زمره ارائه‌دهندگان خدمت برشمرده و مبتنی بر ماده ۵۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده، ایشان را از پرداخت عوارض معاف دانسته‌اند (۱۶). با توجه به این رأی می‌توان بیان داشت که وقتی وکالت در دایره نهادهای خدماتی احصا شده است به طریق اولی دانشگاه‌های علوم پزشکی و نهادهای متبوع آن اعم از بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها و مراکز بهداشت

و درمان یک مجموعه خدماتی برشمرده شده و یقیناً به قیاس اولویت از پرداخت عوارض معاف می‌باشند.

۱-۲- **خارج بودن تبصره ۳ ماده ۵۰ از مسأله:** همان‌گونه که در مطالب قبل اشاره شد، ماده‌ای که در مورد عدم تخفیف و معافیت از پرداخت عوارض در مورد آن بحث شده است، تبصره ۳ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده است، ولی نکته حائز اهمیت در این باره این است که این تبصره ارتباطی به موضوع این پژوهش پیدا نکرده و به بیان بهتر این تبصره در مورد این که آیا نهادهای تحت نظارت دانشگاه‌های علوم پزشکی مشمول پرداخت عوارض می‌شوند و یا خیر، سخنی به میان نیاورده است، چه این تبصره در ذیل ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده آمده که صلاحیت شورای شهر در اخذ عوارض را مطرح کرده است. در ماده ۵۰ این قانون چنین آمده است: «برقراری هرگونه عوارض و سایر وجوه برای انواع کالاهای وارداتی و تولیدی و همچنین ارائه خدمات که در این قانون، تکلیف مالیات و عوارض آن‌ها معین شده است. همچنین برقراری عوارض به درآمدهای مأخذ محاسبه مالیات، سود سهام شرکت‌ها، سود اوراق مشارکت، سود سپرده‌گذاری و سایر عملیات مالی اشخاص نزد بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیر بانکی مجاز، توسط شوراهای اسلامی و سایر مراجع ممنوع می‌باشد» (۱۷).

در تبصره ۳ نیز چنین آمده است: «قوانین و مقررات مربوط به اعطای تخفیف یا معافیت از پرداخت عوارض یا وجوه به شهرداری‌ها و دهیاری‌ها ملغی می‌گردد.»

همان‌گونه که در متن این ماده دیده می‌شود، موضوعی که در اینجا محل نظر قانونگذار قرار گرفته، این است که شورای شهر و سایر مراجع، حق برقراری عوارض نداشته و این عمل توسط آن‌ها ممنوع است. در تبصره ۳ این ماده نیز آمده است که هرگونه تخفیف و یا معافیتی که توسط شورای شهر اعطا می‌شود، ملغی و بلااثر بوده، لذا این نهاد حق چنین تصمیم‌گیری ندارد. به عبارت دیگر همان‌گونه که شورای شهر حق برقراری هرگونه عوارض ندارد، صلاحیت اعطای تخفیف و یا معافیت نیز از ایشان برداشته شده است. بر این اساس این مسأله فارغ از این است که در مواد دیگر و در جای دیگر از قوانین برخی از نهادها از پرداخت برخی از عوارض معاف باشند. توضیح بیشتر این که این ماده صرفاً در حدود اختیارات شورای شهر در پرداخت عوارض و تخفیف و یا معافیت صحبت به میان آورده است و چیزی بیشتر از آن برداشت نمی‌شود.

این موضوع در یکی از آرای دیوان عدالت اداری نیز آورده و مصوبه شورای شهر شیراز مبنی بر تخفیف از پرداخت یکی از نهادها، مبتنی بر تبصره ۳ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده ابطال شده است. در رأی هیات عمومی دیوان چنین آمده است: «نظر به این که مقنن در تبصره ۳ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب سال ۱۳۸۷ قوانین و مقررات مربوط به اعطاء تخفیف یا معافیت از پرداخت عوارض یا وجوه به شهرداری‌ها و دهیاری‌ها را لغو کرده است، بنابراین مصوبه شماره ۳۰۶۰۴-۱۷/۱۰/۱۳۹۱ و اصلاحی ۹۴/۴۵۲-ص-۱۰/۲/۱۳۹۴ شورای اسلامی شهر شیراز مبنی بر اعطاء معافیت از پرداخت عوارض به کارکنان شهرداری مغایر قانون است و از حدود اختیارات شورای اسلامی شهر شیراز خارج می‌باشد و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود» (۱۸).

همان‌گونه که به صراحت در این رأی نیز بیان شده است، تبصره ۳ ماده ۵۰ حدود اختیارات شورای شهر را مد نظر قرار داده، لذا مبتنی بر آن تخفیفی که از سوی شورای شهر صادر شده است، خلاف قانون تلقی شده و آن مصوبه ابطال گردیده است. همین جا می‌توان به بند «ت» ماده ۲۳ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب سال ۱۳۹۶ نیز اشاره کرد. در این بند آمده است: «هرگونه تخفیف و بخشودگی عوارض شهرداری‌ها توسط دولت ممنوع است» (۱۹). آنچه مسلم است در این بند صرفاً به این مسأله اشاره شده است که چنانچه شخصی (حقیقی یا حقوقی) مطابق قانون بایستی عوارض پرداخت کند، دولت نمی‌تواند او را مشمول تخفیف و یا بخشودگی عوارض شهرداری قرار دهد. به بیان دیگر بخشودگی و یا تخفیف مالیاتی در حیطه اختیارات دولت نمی‌باشد و پس از آنکه قانون کسی را موظف به پرداخت عوارض کرد، دولت حق بخشودگی و یا تخفیف عوارض را ندارد. در صورتی که معافیت از پرداخت عوارض مبتنی بر قانون مالیات بر ارزش افزوده مبتنی بر قانون و ادله‌های قانونی می‌باشد.

افزون بر این مطالب، بعید به نظر می‌رسد که دو ماده در یک قانون (قانون مالیات بر ارزش افزوده) در تعاقب یکدیگر و نقیض هم به تصویب برسد (۲۰). همین اماره دیگری است بر این که این ماده ۵۰ و تبصره ۳ آن، مربوط به حدود اختیارات شورای شهر می‌باشد.

۲- دریافت عوارض نوسازی و عمران شهری از بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها

با تتبع در قوانین مربوطه قانون «نوسازی و عمران شهری» مصوب ۱۳۴۷ وجود دارد که در ماده ۲۶ آن به صراحت ساختمان‌های متعلق به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی را از پرداخت عوارض معاف دانسته است. در این ماده آمده است: «مساجد و اماکن مقدسه اسلامی و معابد اقلیت‌های مذهبی (مسیحی، زرتشتی و کلیمی) و مدارس قدیمه طلاب علوم دینی به گواهی سازمان اوقاف از پرداخت عوارض و حق مرغوبیت و اراضی و ساختمان‌های متعلق به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و تأسیسات سازمان تربیت بدنی و پیشاهنگی ایران و کتابخانه‌های عمومی شهر و همچنین آن قسمت از اراضی و املاک شرکت‌ها و مؤسسات آب و برق و گاز و تلفن متعلق به دولت که برای فعالیت‌های مربوط به آب و برق و گاز و تلفن مورد استفاده می‌باشد، از پرداخت عوارض موضوع این قانون معاف خواهند بود» (۲۱).

همان‌گونه که در این ماده بیان شده، به صراحت ساختمان‌های تحت نظارت وزارتخانه‌ها و اماکن دولتی و مؤسسات دولتی از پرداخت عوارض موضوع این قانون، یعنی قانون نوسازی و عمران شهری معاف می‌باشند. بر این اساس تمامی واحدهای تحت نظارت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اعم از دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها، بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها و... از پرداخت عوارض نوسازی معاف برشمرده شده‌اند.

۱-۲- بررسی قاعده عام لاحق و خاص سابق: همان‌گونه که اشاره شد، در تبصره ۳ ماده ۵۰ قانون مالیات‌های مستقیم آمده بود، هرگونه تخفیف و یا معافیت از پرداخت عوارض از سوی شهرداری‌ها ملغی شده است. این در حالی است که همان‌گونه که اشاره شد، در ماده ۲۶ قانون «نوسازی و عمران شهری» مصوب ۱۳۴۷ آمده است که ساختمان‌های متعلق به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی از پرداخت عوارض نوسازی معاف می‌باشند. بر این اساس و همانند موضوع مبحث قبل بین این دو ماده (ماده ۲۶ قانون نوسازی و عمران شهری و تبصره ۳ ماده ۵۰) نیز نوعی تعارض دیده می‌شود که بایستی در اینجا مورد مذاقه قرار گرفته شود، البته ذکر این نکته حائز اهمیت است که در مطلب قبل اشاره شده که تبصره ۳ ماده ۵۰ قانون مالیات‌های مستقیم به عدم معافیت نهادهای خدماتی از پرداخت عوارض اشاره‌ای نداشته و صرفاً به عدم صلاحیت شهرداری‌ها در عفو و تخفیف عوارض اشاره شده است، ولی به هر جهت این موضوع بدین جهت در این قسمت از نظر گذشته است که ممکن است در ذهن خواننده

این نکته وجود داشته باشد که تبصره این ماده به عدم معافیت اشاره داشته است که البته بر این اساس بهتر است این موضوع در این قسمت مطمح نظر نگارنده قرار گرفته شود.

ناگفته پیداست به مثابه مباحث پیشین اولین موضوعی که در رابطه با این مسأله به ذهن می‌رسد، این است که تعارضی که بین این دو ماده وجود دارد از چه نوع تعارضی است؟ همان‌گونه که در مطالب قبل نیز از نظر گذشت، چنانچه دو دلیل با یکدیگر مقابله کرده و امکان جمع عرفی بین این دو وجود داشته باشد، تعارض اساسی وجود نداشته و به اصطلاح تعارض، غیر مستقر است (۲۱). مهم‌ترین مصداق جمع عرفی که از نظر اصولیون مورد نظر قرار گرفته است، بحث عمل به قاعده عام و خاص است. به این بیان که چنانچه دلیلی عام بوده و دلیل دیگر همان موضوع را به صورت خاص بیان کرده است، دلیل خاص عموم عام را تخصیص زده و به نوعی در موضوع آن تصرف کرده و آن را محدود کرده، لذا تعارض با این نوع جمع از بین می‌رود (۲۲).

با توجه به نکات سالف‌الذکر، بین این دو ماده تعارض غیر مستقر بوده و با جمع عرفی می‌توان، تعارض ابتدایی بین این دو را منتفی کرد. توضیح مطلب آنکه در ماده ۲۶ قانون نوسازی و عمران شهری، ساختمان‌های وزارتخانه و مؤسسات دولتی را از پرداخت عوارض معاف دانسته (خاص) و در تبصره ۳ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده هرگونه تخفیف و معافیت از پرداخت عوارض را ملغی شمرده است. (عام) بر این اساس بین این دو ماده از باب قاعده عام و خاص تعارض وجود داشته، البته با جمع عرفی بین این دو، می‌توان تعارض فی‌مابین را منتفی و بر اساس قاعده «الجمع مهمما امکن اولی من الطرح» مفاد هر دو را اخذ کرد. به این بیان که ساختمان‌های وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی از پرداخت عوارض و نوسازی معاف بوده و عمومیت تبصره ۳ ماده ۵۰ شامل این ساختمان‌ها نمی‌شود.

البته نکته‌ای که بایستی به آن توجه داشت، این است که عام (تبصره ۳ ماده ۵۰) مؤخر از خاص (ماده ۲۶ قانون نوسازی و عمران شهری) بوده و به اصطلاح، موضوع از مصادیق عام لاحق و خاص سابق می‌باشد. با در نظر گرفتن این نکته بایستی این مسأله مطرح می‌شود که آیا با حضور عام مؤخر، خاص سابق از بین رفته و به نوعی عام لاحق، ناسخ خاص سابق می‌شود؟ به نظر بسیاری از اصولیون آنچه بین علمای اصول شهرت دارد، آن است که عام لاحق ناسخ خاص سابق نبوده و در اینجا نیز قاعده تخصیص جاری بوده و دلیل خاص باعث تحدید حدود

دلیل عام می‌شود (۲۳). بر این اساس نمی‌توان گفت که با حضور قانون عام (تبصره ۳ ماده ۵۰)، قانونی که در سابق به صورت خاص، وزارتخانه‌ها را از پرداخت عوارض نوسازی معاف کرده بود را نادیده انگاشته و صرفاً بر پایه قانون عام عمل کنیم، چه همان‌گونه که بیان شد، تعارض این دو ماده از باب تعارض غیر مستقر بوده و می‌توان با جمع این تعارض را از بین برده و به هر دو ماده توجه داشت. ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که مباحثی که در این قسمت مطرح شد، محل مباحث تعارض و تساقط نیست، چه ناگفته پیداست در اینجا تعارض به معنای واقعی آن (تعارض مستقر) به وجود نیامده که بحث تعارض و تساقط ادله به وجود بیاید.

البته پرداختن به این مسأله نیز در جای خود حائز اهمیت است که در صورت ایجاد تعارض بین این دو ماده، موضوع عوارض نوسازی و ماده ۲۶ قانون نوسازی و عمران شهری به چه نحو خواهد شد؟ مسلماً با توجه به مسائل بیان شده در قبل، این مسأله در صورتی به وجود خواهد آمد که تعارض مستقر به معنای واقعی اصولی آن به وجود بیاید، چه در غیر این صورت مسأله در موضوعات گذشته گفته وارد شده و مطالب پیشین به وجود خواهد آمد، پس آنچه در این مسأله مطرح می‌شود، این است که چنانچه بپذیریم بین این دو ماده تعارض قطعی وجود دارد مسأله عوارض نوسازی به چه نحو خواهد شد؟ ذکر این نکته حائز اهمیت است که با توجه به نظر مشهور اصولیون شیعه در تعارض دو طریق، اصل، تساقط هر دو طریق می‌باشد (۲۴). بر این اساس در ما نحن فیه این دو ماده با یکدیگر تعارض کرده و بر پایه اصل تعارض طرق، هر دو ماده از حجیت خارج شده و ساقط می‌شوند. به عبارت دیگر با توجه به قاعده تساقط هیچ یک از این دو ماده، نمی‌تواند مبنای رأی قرار بگیرد، پس از سقوط هر دو ماده از حجیت مسأله در قوانین دیگر جستجو می‌شود. بر این اساس عموم ماده ۵۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده در این باره بایستی مبنای رأی قرار گرفته، به عموم این ماده، نهادهای خدماتی از پرداخت عوارض نوسازی معاف می‌باشند. به بیان دیگر چنانچه دو ماده قانونی با یکدیگر در تعارض باشند و این تعارض را مستقر دانسته و با جمع عرفی از باب عام و خاص نتوان مسأله را حل کرد، موضوع در انواع تعارض و تساقط قرار می‌گیرد. بر این اساس اگر بر فرض بپذیریم که ماده ۲۶ قانون نوسازی و عمران شهری با تبصره ۳ ماده ۵۰ قانون مالیات‌های مستقیم در تعارض باشد و تعارض این دو هم مستقر بوده و نتوان هیچ یک را بر دیگری ترجیح داد، هر دوی آن‌ها از

درجه اعتبار ساقط و به خودی خود ماده ۵۲ قانون مالیات‌های مستقیم به میان آمده و با توجه به منطوق آن نهادهای خدماتی از پرداخت عوارض معاف خواهند شد.

مطلب دیگری که در اینجا می‌توان به آن پرداخت، این است که مباحثی که در ارتباط فی‌مابین این دو ماده (ماده ۲۶ و تبصره ۳ ماده ۵۰) مطرح شد، دقیقاً در مورد تبصره ۳ ماده ۵۰ و ماده ۵۲ نیز به میان می‌آید. بیان مطلب این‌که همان‌گونه که در ماده ۵۲ مطرح شد، نهادهای خدماتی از پرداخت مالیات معاف دانسته شده (خاص) و در تبصره ۳ ماده ۵۰ هرگونه معافیت ملغی دانسته شده است (عام). بر این اساس بین این دو ماده نیز رابطه عام و خاص مطرح بوده و ماده ۵۲، تبصره ۳ ماده ۵۰ را تخصیص زده و نهادهای خدماتی از شمول لغو معافیت خارج شده‌اند.

نتیجه‌گیری

عوارض یکی از محل‌های درآمدی است که دولت‌ها برای پیشبرد اهداف خود از مردم اخذ کرده و به انواع مختلفی تقسیم می‌شود. دو مورد از عوارض‌هایی که شهرداری‌ها از اشخاص حقیقی و یا حقوقی دریافت می‌کنند، «عوارض نوسازی» و «عوارض پسماند» می‌باشد که به صورت مفصل در متن تحقیق به ماهیت آن پرداخته شد. به عبارت دیگر دو مورد از بارزترین مواردی که شهرداری‌ها از مردم به عنوان عوارض دریافت می‌کنند، عوارض نوسازی و پسماند می‌باشد.

با توجه به مطالب بیان شده در مورد این دو عوارض، بایستی چند نکته نتیجه‌گیری شود: اولاً یکی از مباحث اساسی در این تحقیق، شناختن «نهادهای خدماتی» است. همان‌گونه که اشاره شد، در برخی از مواد قانونی بسیار مهم از عنوان «نهادهای خدماتی» یاد شده و به صراحت و یا به صورت استدلالی از پرداخت عوارض معاف شده بودند. مسلماً این عنوان می‌تواند با تفسیری عام بر هر سازمانی که به مردم خدمت‌رسانی می‌کند اطلاق شود، ولیکن بحث بر سر آن است که آیا بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها و دیگر مراکز بهداشتی در عنوان نهاد خدماتی قرار گرفته می‌شود؟ مسلماً معنای لغوی نهاد خدماتی دربرگیرنده هر سازمانی خواهد بود که به نوعی خدماتی به افراد اعم از حقیقی و یا حقوقی ارائه می‌کند. به عبارت دیگر هر سازمان و یا نهادی که با فعالیت‌های خویش به مجموعه‌های زیر نظر خود و یا به صورت عمومی، هر نوع

خدماتی ارائه کند، در زمره نهادهای خدماتی شمرده خواهند داشت. به هر جهت، همان گونه که مشخص است، این تعریف بسیار عام بوده، لذا با این وصف هر نوع خدمتی داخل در آن قرار خواهد گرفت. روشن است آنچه مد نظر قانونگذار بوده، صرفاً داخل در دایره تعریف لغوی قرار نگرفته و آنچه مد نظر قانون است در دایره محدودتری قرار می‌گیرد، چه همان گونه که در متن قوانین از نظر گذشت، امتیازاتی به نهادهای ارائه‌کننده خدمت داده شده و چنانچه بخواهیم تفسیری این چنینی بسیار عام داشته باشیم، غرض قانونگذار با اشکال مواجه می‌شود. از سوی دیگر با مراجعه به مواد قانونی مشخص است که آنچه مد نظر قانونگذار بوده، تعریف لغوی نبوده و تعاریف اصطلاحی را از نظر گذرانده است. بر این اساس نهاد خدماتی به نهادی اطلاق می‌شود که ارائه خدمات از سوی ایشان مابه‌ازای برابر نداشته و بیشتر به ارائه خدمت توجه دارد تا کسب سود. به عبارت دیگر یک نهاد خدماتی به سود مادی که کسب می‌کند، توجه نداشته و توجه در نگاه اولیه به ارائه خدمت به عموم مردم است. با توجه به این نکته قطعاً بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها و امثال این مراکز به جهت ارائه خدمت به عموم مردم که با هزینه‌های بسیار ناچیزتر از مراکز خصوصی به ارائه خدمت به مردم می‌پردازد، در زمره نهادهای خدماتی قرار می‌گیرد، به هر جهت آنچه مسلم است آنکه امتیازاتی که برای نهادهای خدماتی در قوانین مربوطه قرار داده شده به صورت قطعی و قدر متیقن شامل مجموعه‌های زیر نظر و تابعیت دانشگاه‌های علوم پزشکی شده و این مراکز آموزشی و درمانی در زمره این نهادهای خدماتی قرار خواهند گرفت؛ ثانیاً همان گونه که در متن تحقیق نیز مشاهده شد، دو نوع از بارزترین عوارضی که شهرداری‌ها اخذ می‌کنند، عوارض پسماند و عوارض نوسازی است. به عبارت دیگر این دو نوع عوارض در کانون توجه شهرداری بوده و نمونه‌های بارز عوارضی که از افراد مختلف جامعه اخذ می‌کنند، این دو نوع عوارض است. بر اساس تحلیل‌های حقوقی و استدلال‌هایی که در متن تحقیق دیده شد، اخذ این گونه عوارض از نهادهای خدماتی زیرمجموعه‌های زیر نظر دانشگاه‌های علوم پزشکی فاقد وجاهت قانونی بوده و قطعاً این گونه نهادها از پرداخت این عوارض معاف می‌باشند. اشاره به این نکته نیز حائز اهمیت است با این که استدلال‌هایی که در متن تحقیق دیده شد، در ذیل مواد قوانینی که عوارض پسماند و نوسازی را مطرح نظر خویش قرار داده بودند، آورده شده بود، ولی به نظر می‌رسد دلایل بیان‌شده خصوصیتی صرفاً در این دو عوارض نداشته و هر نوع عوارضی را دربر می‌گیرد. به بیان دیگر با همان دلایل بیان شده در

متن تحقیق، هر گونه عوارضی که بر مجموعه‌های خدماتی تحت پوشش دانشگاه‌های علوم پزشکی از سوی نهادهای مختلف قرار گرفته می‌شود، مشمول این دلایل قرار گرفته می‌شود، لذا همه این نهادهای خدماتی از پرداخت عوارض معاف می‌شوند، چه یکی از مواد حائز اهمیتی که صراحت داشته، البته بسیاری از ادله بر آن قرار می‌گرفت، ماده ۵۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده بود که در آن آمده است: «از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا، ارائه‌دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی مصوب ۱۳۸۱ و اصلاحیه بعدی آن و سایر قوانین و مقررات خاص و عام مغایر مربوط به دریافت هرگونه مالیات غیر مستقیم و عوارض بر واردات و تولید کالاها و ارائه خدمات لغو گردیده و برقراری و دریافت هرگونه مالیات غیر مستقیم و عوارض دیگر از تولیدکنندگان و واردکنندگان کالاها و ارائه‌دهندگان خدمات ممنوع می‌باشد.»

مسئله به عمومیتی که در این ماده دیده می‌شود، هرگونه عوارضی از نهادهای خدماتی (که البته می‌تواند منحصر در مجموعه‌های درمانی نباشد) برداشته می‌شود، لذا اخذ هرگونه عوارض از نهادهای درمانی فاقد وجاهت قانونی است. مضافاً باید گفت که تمام ادله‌ای که حول این ماده در متن تحقیق دیده شد، بر همه عوارض وارد شده، لذا با همه آن استدلال‌ات تمام نهادهای زیرمجموعه دانشگاه‌های علوم پزشکی دولتی از پرداخت هرگونه عوارض معاف خواهند بود.

References

1. State Service Management Act. Article.9.
2. Ministry of Health and Medical Education Act. Approved by Parliament; 1985.
3. Sixth Program of Economic, Social and Cultural Development Act of the Islamic Republic of Iran. Approved by Parliament; 2017. Article.25.
4. Langroodi MJ. Terminology of Law: Complications. 30th ed. Tehran: Ganje Danesh; 2017.
5. Compliance and Urban Renewal Act. 1968. Article.1.
6. Compliance and Urban Renewal Act. 1968. Article.2.
7. Waste Management Act. Approved by Parliament; 2004. Article.2.
8. Waste Management Act. Approved by Parliament; 2004. Article.1.
9. Waste Management Act. Approved by Parliament; 2004. Article.6.
10. The Unique Article "How to Calculate and Accept the Cost of Waste Management Services" of the Islamic Council of Tehran. 2009.
11. The Executive Code of "Waste Management Law". Approved by the Cabinet of Ministers; 2005.
12. Value Added Tax Act (VAT). Approved by Parliament; 2008. Article.52.
13. Value Added Tax Act (VAT). Approved by Parliament; 2008. Article.50 Note.3.
14. Bayhaqi A. Taj al-Masader. Edited by Alamzadeh H. Tehran: Pajhoheshgahe Olome Ensani va Motaleate Farhangi Publications; 1997. Vol.2 p.853.
15. Sheikh Ansari M. Farayed al-Osoul. 9th ed. Qom: Majma al-Fekr al-Eslami; 2008. Vol.1 p.618.
16. Judgment of the General Court of the Administrative Court of Justice on the number of 566 dd. 2017.
17. Value Added Tax Act (VAT). Approved by Parliament; 2008. Article.50.
18. Official Gazette No.955. 1396. With the subject of the revocation of the Decree No.30604-1391/10/17 and Corrigendum 94/452.p. 1394/2/10 of the Islamic Council of Shiraz on the granting of exemption from payment of charges to municipal employees.
19. Permanent Sentences of National Development Plans Act. Article.23. Paragraph.D.

20. Modernization and Urban Development Act. 1968. Article.26.
21. Sadr M. Bohooth fi Ilm al-Osoul. Qom: Markaz al-Ghadir le-Derasat al-Eslami; 1997. Vol.7 p.207.
22. Hakim MS. Al-Mohkam fi Osoul al-Feghh. Qom: Al-Manar; 1994. Vol.6 p.73.
23. Akhoond Khorasani M. Kefayah al-Osoul. Qom: Al al-Bait Institute; 1989. p.237.
24. Akhoond Khorasani M. Kefayah al-Osoul. Qom: Al al-Bait Institute; 1989. p.499.